

## درچه

به‌بهانه پخش اذان مؤذن‌زاده‌اردبیلی از رادیو

### ز ما ومن به سکوت ای جاب قانع باش

● **حمید فرید**: چندی است که در منزلمان به همت وجود برنامه‌های پرپار صداوسیما (فرقی نمی‌کند فرستنده وطنی یا غیروطنی) عطای این جعبه جادویی را به لقایش بخشیده‌ایم و برای فهمیدن اوقات شرعی رمضان هم به قول محمد صالح‌علا به «رادیو محترم پیام»، آن هم هنگام اذان و مناجات‌خوانی‌اش گوش می‌دهیم. شب شنبه اذان معروف و محبوب مرحوم مؤذن‌زاده‌اردبیلی از رادیو پخش شد؛ اذانی که در گوشه روح‌الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده و در سال‌های نه‌چندان دور پسر از «رنا» و «مناجات افشاری» استاد شجریان فضای سفره افشارمان را رنگین‌تر و معنوتر می‌کرد و آدمی را به مستی این خوان نعمت دعوت می‌کرد. در روزهای پایانی رمضان هستیم و چه هدیه‌ای نیکوتر از دعا و مناجاتی که برده‌های معنوی را بگشاید؟ باشد که پیاموزیم در این روزها طفل جان از شیر شیطان باز کنیم. شیر شیطان، هم از راه حلق می‌رسد، هم از راه چشم و هم از راه گوش… برای من و امثال من که گوش موسیقایی بدی ندارند و با موسیقی شب و روز می‌گذرانند، شنیدن دعای رنا و اذان پس از آن فراتر از مستی افزونش درس موسیقی نیز داشت، استفاده از گوشه‌ها و آدای بجا و بحق و درست آنها بود که قدرت شنیدن این آثار را بارهاوبارها عطا می‌کرد. حقیقتش را بخواهید، نمی‌دانم مسئول انتخاب و ویرایش این نواها سواد و ذوق موسیقایی دارد یا نه! وقتی اذان مؤذن‌زاده را گوش می‌دادم، دیدم فاصله زمانی اذان کوتاه‌تر شده و فاصله‌های سکوتی که بوده به دلخواه و بدون هیچ نگاه کارشمانه‌ای حذف شده است؛ مگر چه برنامه برپاری فراتر و بهتر از این اذان می‌تواند باشد که زمانش را کوتاه می‌کنیم. روزهدردی که تا اذان مغرب سکوت می‌کشد و لب فریومی‌داری از طعام، به چنددقیقه کمتر برای افطارکردن نیازی ندارد. (هرچند وقت شرعی افطار با شروع اذان فرامی‌رسد) مگر می‌شود سکوت‌های بجا و متفکرانه‌ای را که مرحوم مؤذن‌زاده به کار برده حذف کرد. سکوت جزئی از موسیقی است. دقایقی سکوت، مخاطب را وادار به این اثر می‌کند. این سکوت‌ها همان سوبوه پنهان و غایب از نظر است که غیابش مانند حضوری، شرط شنیدشدن تنها و صداهاست. یعنی توجه به سکوت همان امر غایبی است که شرط شنیدن موسیقی است. سکوت در موسیقی زمانی برای انتظار نیست، بلکه زمانی برای شنیدن فعال یا به عبارتی درک اهمیت صدایی که شنیده می‌شود است. سواد موسیقایی هر موسیقی‌دانی هم می‌رساند که نقش سکوت و به‌کارگیری درست از آن، بخشی از موسیقی است. به‌کارگیری سکوت برای مدتی بسیار کوتاه (در حد یک میزان) یا بیشتر (چند میزان) این یک تأثیر متفاوتی روی شنونده باقی می‌گذارد. هر کار می‌تواند تأکید بیش‌تری بر آواهای پایسی ملودی داشته باشد. طول زمان یک سکوت، فاصله بین دو سکوت و حجم سکوت، همه با هم بر شنونده تأثیر می‌گذارد. این تأثیرات تجربه شنیداری هر شنونده را رنگ‌آمیزی می‌کند. علاوه‌براینها، سکوت با کاستن از درهم‌ریختگی های صوتی، به هر عبارت صوتی رنگ می‌بخشد. مخصوصاً که دیگر آثری از ساز در آوای ملکوتی نیست و همه بار این الحان را گلوی شریف انسان متدین و ذهنش پردازش می‌کند. موسیقی سنتنی ایران از سکوت برمی‌خیزد و آرامش و صلح آن حقیقت سرمدی را که جاوبندان و مافوق هرگونه تعین و تشخیص است، در قالب صوتی که متعلق به عالم صورّ و مظاهر است، متجلی می‌کند. نظیر چنین باوری را می‌توان در آرای کسان دیگری از جمله شوپنهاور نیز دید. «ارتباط نزدیکی که موسیقی با ذات واقعی چیزها دارد، می‌تواند بینندگان این واقعیت باشد که هنگامی که یک قطعه) موسیقی متناسب با هرگونه صحنه، محیط و رویدادی نواخته می‌شود، پنهان‌ترین معنای آن وجه، بر ما مکشوف می‌شود. موسیقی در همه‌جا بیانگر هسته اصلی و جوهر زندگی ورخدادهای آن است». سکوتی که در معرفت موسیقی ایرانی به کار می‌رود، همان سکوتی است که در روایات اسلامی و عرفانی آورده شده است. مولوی سرافزار راه را سکوت می‌شمرد؛ چنان‌که «اهپر انتهای راه وصال و تنها راه برای ورود به محضر حضرت حق را نیز مُرکب «مخوشی» می‌داند و از نگاه عرفان، حقایق معنوی را تنها از رهگذر سکوت می‌توان یافت. علت و غایت اصلی سکوت نیز به این جهت است که شخص در حالت سکوت قدرت تفکر و تدبیر بیشتری پیدا کرده و در آثار صنع الهی تعمق و تأمل افزون‌تری داشته است این سکوت است؛ آیت مقصود سکوت می‌تواند اشتیاق شنونده را نسبت به آنچه خواهد شنید بیشتر کند. اشتیاق در عرفان و معرفت ما، آن هم در چنین لحنی با این سکوت‌ها می‌تواند حس انتظار و پیش‌بینی باشد. رمضان در گذر است و هر لحظه و هر ثانیه‌اش جرحه‌ای نوشانده می‌شود از معرفت و شیدایی و فرصت را برای خودسازی و درک معرفت مهیا می‌کند. (این دهان بستی دهانی باز شد) محروم‌کردن مردم از این‌نواها در ازین‌بردن فضای روحانی که رو به کم‌رنگی است بی‌تقصیر نیست؛ مگر چقدر در این سال‌ها، چه به صورت تخصصی و چه دلی برای این‌چنین کارهایی تلاش شده است تا کاری به عظمت دعای افشاری، رنا و اذان مرحوم مؤذن‌زاده آورده شود. روی تندی لحن این نوشته را به صداقتش ببخشید. ازروزی این است که رمضان بتواند ما را بزرگ کند و از جنین‌وارگی روح برهاند و بلوغمان دهد و نرمی و روشنی و مهر و انصاف را مضاعف کند.



رضا آشفته

نمایش «هملت، شاهزاده اندوه» که ۱۰ سال پیش برای اولین‌بار در جشنواره مونپولیو روی صحنه رفته، از ۸ تا ۱۳ خرداد در تماشاخانه سیند تهران دارد اجرا می‌شود. این نمایش اجراهای زیادی در داخل و خارج از کشور داشته و به تازگی هم توری در آمریکا برگزار کرده است.

محمد عاقبتی سال ۹۷ نمایش «از کجا او‌مدیم» را در تالار هنر با بازی محمدهادی عطایی و الکا هدایت اجرا کرد که درباره تولد و مرگ برای تفهیم کودکان چهار تا هشت سال بود. او همچنین با نمایش «ماهی سیاه کوچولو»، که برگرفته از داستان صمد بهرنگی بود، در همین سال در جشنواره کودک‌ونوجوان حضور داشت. «هملت، شاهزاده اندوه»، نوشته محمد چرمشیر، برداشتی متفاوت از هملت ویلیام شکسپیر است که با کارگردانی محمد عاقبتی در جشنواره تک‌نفره لیو به صحنه آمد. نگاه چرمشیر این‌طور بوده که وضعیت هملت را این‌بار در دنیای معاصر و در فضایی فقیضه‌گو – پارودیک- به نمایش می‌گذارد.

این تک‌گویی به شکل خطاب به خود (دوم‌شخص مفرد؛ تو) روایت و اجرا می‌شود. این خود‌قابلیت تازه‌ای است که خلاقیت در روایت به میزان قابل‌ملاحظه‌ای دیده شود. متن شکسپیر یک بهانه است تا چرمشیر مونولوگ یا تک‌گویی خود را بنویسد. محمد عاقبتی هم دستش در کارگردانی باز بوده تا به بهانه استفاده از اسباب‌بازی و عروسک‌بازی یک فضای فانتزی و غیرمعمول را نشان دهد. او این‌بار ترازندی هملت را در آمیختگی با کمدی و طنز به نمایش می‌گذارد. در اینجا ترازدی روش معکوس به خود می‌گیرد و همه‌چیز غیرجدی تلقی می‌شود؛ یعنی سعی چرمشیر این بوده که به اقتضای تغییرات، تماشاگر تجربه تازه‌ای از متن شکسپیر را تجربه کند. این‌بار قرار نیست تا یک وضعیت تاریخی یا همان الگوی انتقام‌گیری مایکل دیدگان تماشاگر واقع شود، بلکه تماشاگر می‌تواند لحظاتی به یک ماجرای غم‌انگیز خنده‌دار نگاه کند؛ ماجرابی که در آن هملت در یک خلوت مقابل دیدگان تماشاگر قرار می‌گیرد. او خطاب به خود با تکرار کلمه «تو»، وضعیت بفرنج و نظام برهم‌ریخته فکری و روانی‌اش

بازتولید «هملت، شاهزاده اندوه» یا پایان یک اجرا

# همکاری محمد عاقبتی و افشین هاشمی



را به شکل فرافرکنی عیان می‌کند. این پسر، پدر خود را در قالب شیر، مادرش را فیل و عمویش را دایناسور و مشاور پدرش را پنگون می‌بیند. این فضای کوچک که همه را در قالب حیوان (اسباب‌بازی) نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای بیانگر تحلیل و نگاه هملت در این وضعیت دگرگونه‌شدن است. هملت جنون‌زده و اندوهناک به بیان داستانی غریب از روابط مادر و عمویش برای قتل پدر و ازدواج آنها می‌گذرد. هملت حس تردیدش همچنان گل می‌کند تا در عمل انتقام خود را به تعویق اندازد. او رفتار بدی با نامزدش داشته و او‌را به کشتن خود واداشته است. حالا بر تمام ترس‌ها غلبه کرده تا به انتقام از مادر، عمو و مشاور بپردازد.

در نمایش شاهزاده اندوه حضور عاقبتی در مقام کارگردان بسیار محسوس است، زیرا که همه‌چیز در کنترل و هدایتگری اوست. نمونه‌اش افشین هاشمی که با هدایت این کارگردان تمام رفتارهایش شسته‌رفته جلوه می‌کند. او اندوه خود را در بیان نشان می‌دهد و طنز موجود نیز در قالب رفتاراش با اسباب‌بازی‌ها و گاهی با لحن دگرگونه‌گرفتن بارنمود می‌یابد. در اینجا هوس و شهوت جایگزین عشق و محبت شده است. فضای فانتزی دست بازیگر و کارگردان را باز گذاشته تا

## نگاهی کوتاه به رأ‌گیری ۱۰ سالانه منتقدان ماهنامه «فیلم» درفش سفید منتقدان!

امید خاکپورنیا: در شماره اخیر ماهنامه سینمایی «فیلم»، چهارمین رأ‌گیری ۱۰سالانه منتقدان سینمای ایران انجام شد. هدف اصلی این یادداشت، شرح تاریخچه و فلسفه جرائی این بازی سینمایی نیست؛ چراکه به‌قدر کفایت درباره پیشینه این انتخاب‌های سینمایی می‌توان مطالب مفیدی در نشریات و سایت‌های سینمایی یافت؛ بلکه مقصود، ذکر نکاتی است که به صورت مستقیم به چگونگی انتخاب منتقدان و آرای آنها بازمی‌گردد. ابتدایی‌ترین پرسشی که برای انتخاب فیلم‌ها در این فهرست‌های ادواری به ذهن متبادر می‌شود، این است که چه کسانی شایسته داوری هستند؟ صرف قلم‌زدن در یک نشریه (حتی کم‌تیراژ) و نوشتن نقد (یا ربویو)، نمی‌تواند معیار خوبی برای گزینش افراد در مقام منتقد باشد. در چنین رأ‌گیری‌های مهمی که بدون شک در آینده محل قضاوت تاریخی قرار خواهند گرفت، حضور نام‌های معتبر از شروط اصلی است. با این نگاه، باید گفت رأ‌گیری اخیر ماهنامه فیلم، در نخستین قدم دچار مشکل است. باید پرسید چرا میان رأ‌دهندگان، دست‌کم نام نزدیک به ۲۰ نفر از نویسندگان غیر مطرح به چشم می‌خورد و آنچه به نام نقد از برخی از این افراد در یک جست‌وجوی اینترنتی می‌شود خواند، بیشتر ربویو یا گزارش‌نویسی به حساب می‌آید تا نقد؟

از طرف دیگر، چرا در این مجموعه در کنار حضور افراد ناشناس، جای بسیاری از سرشناسان حرفه نقد خالی است؟ برای مثال می‌توان از غیبت سعید عقیقی، کامیج کاهه، حمیدرضا صدر و نغمه ثمنی نام برد. اینکه به چه دلیل این افراد حاضر به شرکت در این رأ‌گیری نشده‌اند یا اчина از ایشان دعوتی به عمل نیامده، نکته‌ای است که برای ارزش‌گذاری فیلم‌ها و بررسی کرد؛ چون گویی درزی باز شده و از میان جمعی خودمانی، به همگی گفته‌اند بفرمایید داخل!

نکته دیگر، نحوه گزینش آثار در این فهرست‌هاست. گویا برخی از منتقدان تصمیم دارند برای رأ‌ی‌دادن به یک اثر، قواعد شخصی خودشان را خلق کنند و به معیارهای مرسوم در این رأ‌گیری‌ها بی‌توجه باشند. شاید برخی بگویند سلیقه است دیگر، درحالی‌که برای ارزش‌گذاری فیلم‌ها و همان بنیاد سلیقه، عیار و معیاری وجود دارد و این گزاره که از سلیقه صرف بهره می‌گیرد، کلی و بی‌محتواست.

اما در میان آرای اخیر ماهنامه فیلم، آنچه بیشتر مایه تعجب است، آرای

## تشکیل شورای جشنواره‌ها در سازمان سینمایی

طی احکامی از سوی حسین انتظامی، اعضای شورای جشنواره‌های سازمان سینمایی منصوب شدند. رئیس سازمان سینمایی، علیرضا رضاداد، ابراهیم داروغه‌زاده، محمود اربابی، محسن حدادی، حسین ربانی، مسعود نجفی، جلیل اکبری دحوتی و مهرداد دانش را به‌عنوان اعضای شورای جشنواره‌های سازمان سینمایی انتخاب کرد.

سیدروح‌الله حسینی، مدیرکل دفتر جشنواره‌ها و همکاری‌های بین‌الملل سازمان سینمایی، ریاست شورای جشنواره‌ها را عهده‌دار است و بابک رضایی معاون این دفتر به‌عنوان دبیر

### هنر

بازتولید «هملت، شاهزاده اندوه» یا پایان یک اجرا



ندارست‌بودن رفتار مادر و عمو را بازنمایی کند. شاید در هر شوه‌ای غیر از این بیان چنین چیزی ناممکن می‌نمود. به‌هرروی شیوه اجرا دست عاقبتی را باز گذاشته تا به درد جانگناه موجود در روح و روان هملت امروزی بپردازد. هملت در اینجا با خوردن گول‌ه‌ای در حال جان‌دادن است و ما او را در وضعیت‌جان‌کندن و ذقایق آخر عمرش دیده‌ایم. این خود منطبق رویارویی مخاطب با اثر را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد. بنابراین جلوه متفاوتی‌کی نیز بر اثر علاوه‌بر حضور شیخ‌کونه پدر بر ساختار متن و اجرا تزییق می‌شود. این نوع نگاه، فضا را جادویی و غیرمتعارف خواهد کرد. بنابراین اجرا از جاذبه بیشتری برخوردار خواهد شد، چون تمام عناصر و ایدئال‌های رفتاری و اجرایی با منطق خاص خود همراه می‌شوند. چه نکته‌ای فراتر از اینکه همه عناصر به یک هماهنگی لازم در زیوروی س‌اختار برسند و در ضمن با محتوای قابل‌تامل نیز همراه شده باشند. چرمشیر نگاه شکسپیر را تغییر می‌دهد و فرایند تازه‌ای شکل می‌گیرد، نتیجه هم بارزتر و نوتر از گذشته خواهد شد. عاقبتی هم همین نگاه را در روال اجرای نمایش شاهزاده اندوه عملی می‌کند. او هم سعی دارد تا با کنار نهادن جلوه‌ها و عناصر متن، نگاه خود را بر آن تزییق کند. این بازی و تغییر شرایط

## نگاهی کوتاه به رأ‌گیری ۱۰ سالانه منتقدان ماهنامه «فیلم» درفش سفید منتقدان!

حسن حسینی به‌عنوان منتقدی صاحب‌نام در عرصه سینمای ایران است. البته پیش‌تر این را باید گفت که حسینی از معدود کسانی است که در زمینه مباحث زانر و سینمای ایران، به‌ویژه در حیطه فیلمفارسی، سال‌هاست مشغول فعالیت است و در این راه تالیفات درخوری ارائه داده است؛ اما فارغ از این پیشینه، باید پرسید فرضا معیار ایشان در انتخاب فیلم‌هایی مانند «قدرت عشق»، «غول‌بیابونی»، «تک‌تازان صحر»، «چوب خدا»، «دختر ظالم‌بلا»، «زنی به نام شراب»، «مرد جنگلی»، «غرب»»، «آخرین نبرد»، «شجاعان ایستاده می‌میرند» و«کوثر» چیست؟ فیلم آخر که در همان دوران قبل از انقلاب نیز به دلیل ضعف کیفیت توقیف شد و حساب کنید فیلمی که به مردی دالیلی از قبیل ساختار نازل و نداشتن بدیهی‌ترین اصول سینمایی در سینمای قبل از انقلاب توقیف شود، چطور می‌تواند امروزه پس از چند دهه در فهرست انتخابی یک منتقد سرشناس قرار بگیرد! به نظر می‌رسد صرف کمیاب‌بودن این فیلم‌ها و عدم تماشای عموم، باعث انتخاب چنین آثاری شده باشد؛ نه هیچ دلیل دیگری. نگارنده، فیلم «قدرت عشق» را ندیده‌ام، اما یقین دارم حتی اگر مرحوم ماروک‌الخاص، کارگردان اصلی این فیلم، در قید حیات بود، این فیلم جزء صند فیلم منتخب خودش هم قرار نمی‌گرفت! دست بر قضا، در پروژه‌ای با چهار نفر از عوامل اصلی این فیلم گفت‌وگویی انجام داده‌ام؛ محمد متوسلانی (بازیگر)، جمشید الوندی (مدیر فیلم‌برداری)، توقیق ابراهیمی (از اعضای گروه فیلم‌برداری) و کتابون امیرابراهیمی (بازیگر) که همگی بر ضعف‌های متعدد و آشفتنگی فیلم تأکید داشتند. برای مثال، تاکنون دیده‌اید نقدی در آن سوی آب‌ها به فیلم‌هایی که درجه‌چندمی با بازی چیچو و فرانکو با یکی از ساخته‌های تونیو والری رأ‌ی داده باشد؟ این دست فیلم‌ها نیز از لحاظ کیفی در همین دسته‌بندی و رده قرار می‌گیرند.

بدون شک، منتقد تربیت‌کننده سلیقه است و در قبال آنچه می‌نویسد و داوری می‌کند، مسئولیت اکید دارد. این نظرات و آرا، از قابلیت جریان‌سازی برخوردار هستند و با این تعریف به نظر می‌آید آرای جناب حسینی از دو حالت خارج نیست؛ یا از سرنوعی لجاجت با سینمای هنری و در تضاد با آرای روشنفکران صادر شده است، یا اینکه واقعا ایشان به حضور فیلم‌هایی مانند «دختر ظالم‌بلا» و «شجاعان ایستاده می‌میرند» به‌عنوان یکی از ۱۰ فیلم برتر در تاریخ سینمای ایران باور دارند. البته احتمال سومی نیز وجود

### نسخه ترمیم‌شده «خانه خدا» در خانه سینما

کانون فیلم خانه سینما، در برنامه آینده خود که در تاریخ یکشنبه، ۱۲ خرداد برگزار می‌شود، نسخه ترمیم‌شده فیلم «خانه خدا» را به نمایش خواهد گذاشت و در ادامه هم نستشی با حضور محمد تهامی‌نژاد، رضا درостگار و ناصر صفاریان (دبیر کانون فیلم) برگزار خواهد شد. بناپس اعلام فیلم‌خانه ملی ایران، نکاتیوی از «خانه خدا» موجود نیست و ترمیم و تصحیح آن پس از بازبینی و بررسی کیفی دو نسخه زیتو (یکی با حاشیه صوتی اپتیک و دیگری مگنت) و یک نسخه اینترمدیا انجام شده است و نسخه آماده‌شده کیفیت بسیار خوبی دارد.

زیر آسمان فیروزهای

نگاهی به نمایش «ماربازی»

«در دسر بزرگ»

● **باسمن خلیلی‌فرد**: «ماربازی» نمایشی است با طرح داستانی مشخص از اتفاقات واقعی زندگی مشترک یک زوج؛ زوجی که اختلافات به ظاهر ساده آنها با گذر زمان بحرانی و پیچیده شده‌اند. لحن نمایش در آغاز طنز است. شوخی‌های متعدد کلامی شخصیت‌ها و بهره‌گیری از لحن کمیک در ابزار و بیان مشکلات و ناراحتی‌هایشان باعث می‌شود مخاطب از اندوه نهفته در زیرلایه‌های متن فاصله بگیرد. اما این سیر به مرور تغییر می‌کند و هرچه به انتهای نمایش نزدیک‌تر می‌شویم، از بار طنز اثر کاسته و بر تلخی آن افزوده می‌شود، چراکه ابتدا به نظر می‌رسد سرانجام راهی برای حل‌وفصل بحران‌های زوج پیدا شود، اما هم مخاطب و هم شخصیت‌ها هرچه به سمت پایان نمایش پیش می‌روند، از حل این اختلافات بیشتر ناامید و عاجز می‌شوند و همین بر تلخی کار می‌افزاید. متن نمایش بسیار جذاب است. دیالوگ‌ها، شخصیت‌ها و موقعیت‌های ایجادشده پتانسیل بالایی برای جلب توجه تماشاگر دارند. طی پیشرفت داستان، مخاطب به آرامی از لایه‌های ظاهری متن عبور کرده و به اعماق آن می‌رسد و در این فرایند با کاراکترها احساس نزدیکی بیشتری کرده و بعضا با یکی از آنها یا حتی هردونفرشان همدات‌پنداری می‌کنیم. به همان اندازه‌ای که متن کار ساده و درعین‌حال پرغز است، اجرای آن نیز متعارف است. نویسنده با روایتی خطی و کاملا داستانی به تشریح اتفاق‌های مستند زندگی یک زوج می‌پردازد. دیالوگ‌ها مهم‌ترین عنصر نمایشند. انتخاب یک شنونده غایب (مشاور) برای اظهارات زن و مرد، تمهید هوشمندانه‌ای است. بازیگران درعین‌حال که مخاطبی برای حرف‌های خود دارند، گویا در ذهن خود و در خلوت خودشان قرار است تجربه ۱۴ سال زندگی مشترک را مرور کنند. طنز ملایم متن به کندوکاو روابط رمانتیک امروزی می‌پردازد و علاوه‌بر ترسیم مشکلات و دغدغه‌های زوج‌های امروزی بر مسئله الزامی‌بودن مراجعه به مشاور برای حل بحران‌های خانوادگی نیز تأکید می‌کند.



«ماربازی» قرار نیست به ستایش یا نکوهش رفتارهای مرد یا زن در جامعه بپردازد؛ درواقع هیچ‌گونه نگاه یک‌سویه‌ای به هیچ‌یک از دو جنسیت نمایش نشده است، بلکه نوک پیکان به سمت هر دو طرف یک رابطه و حتی حفره‌های اجتماعی که تبعاتشان همین نابسامانی‌های خانوادگی است گرفته شده. «ماربازی» قرار نیست مخاطب را با غافلگیری‌های متعدد مواجه کند. وظیفه اصلی چنین نمایشی روبه‌روکردن تماشاگر است با ناگامی‌ها، حسرت‌ها و ترس‌های زندگی روزمره‌اش. دشتی با انتخاب تنها دو شخصیت و پرهیز از زردی شخصیت‌های فرعی به کار خود، فروپاشی یک زندگی زناشویی را نه به واسطه امری انتزاعی، بلکه با بهره‌گیری از سلسله‌ای از رخدادهای زیسته و مستند در چهاردهمین سال از زندگی مشترکشان با مخاطب به اشتراک می‌گذارد. همان‌طور که اذعان داشتیم، «ماربازی» فرم چندان نامتعارفی ندارد. این نمایش لایه‌ای با حاکیت اتفاقات از سوی زن و مرد به موازات هم، بناپس را می‌سازد. دو شخصیت نمایش، تنها با قطع نور در یک طرف صحنه و روشنایی طرف دیگر از هم متمایز می‌شوند. درواقع کارگردان فقط به وسیله نورپردازی مناسب، موقعیت‌های مکانی و زمانی متفاوت را از یکدیگر تفکیک می‌کند. «ماربازی» یک حسن دیگر هم دارد؛ با آنکه کار متکی بر دیالوگ است و هیچ آکت خاصی را از بازیگران آن نمی‌بینیم، کیفیت دیالوگ‌ها و البته بازی‌های به‌اندازه و خوب بازیگران آن باعث می‌شود نمایش، کشش خود را از دست ندهد و ریتمش را تا پایان حفظ کند.

### برگزاری مراسم نکوداشت حمید سهیلی در خانه سینما

● انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند برای حمید سهیلی مراسم نکوداشت برگزار می‌کند. انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند در مراسمی از حمید سهیلی، مستندساز پیش‌کسوت خود تجلیل می‌کند. مراسم نکوداشت حمید سهیلی سه‌شنبه ۲۱ خرداد ساعت ۱۸ در سالن سیف‌الله داد خانه سینما برگزار می‌شود. در این مراسم آیین آغداشلو، ارد عطارپور، بیروز کلاتری و شامهر راستین سخنران خواهند کرد. حمید سهیلی یکی از شناخته‌شده‌ترین مستندسازان سینمای ایران در حوزه مستند معماری بوده که فعالیت خود را از سال ۵۳ و با دستیاری مجموعه‌های تلویزیونی «آتش بدون دود» و «سفرهای دور و دراز هامی و کامی» آغاز کرد. وی سپس به مدت چهار دهه در حوزه مستند مشغول به فعالیت شد و مجموعه‌های بسیاری در زمینه‌های فرهنگ و هنر ایرانی به تصویر کشید. از مجموعه‌های موفق وی می‌توان از «سوی سمیرغ»، «معماری ایرانی»، «رابطه‌های پنهان»، «یافت قدیم شهرهای ایران» نام برد. سهیلی بیش از دو سال است که در بستر بیماری است و آخرین فیلمش ساخت مستندی با عنوان «قروین» است.